

اندیشه های سیاسی - اجتماعی شیخ محمدعبد

نویسنده: داکتر محمد عارف فصیحی دولتشاهی

چکیده

شیخ محمدعبد نه تنها از سلسله جنبانان نهضت اصلاحی در مصر و جهان اسلام بود؛ بلکه در تطبیق سازی تفکر دینی با مبانی عقلی و فلسفی خدمات ارزنده یی به تفکرات دینی و جهان اسلام ارائه داد. وی از نواندیشی دینی برای اصلاح وجوه زنده گی اجتماعی مردم مصر بهره گرفت. در اندیشه وی تربیت اخلاقی و التزام به شریعت، پیش نیاز ورود به عرصه اجتماع و سیاست محسوب میگردد. اهمیت اندیشه های عبده در آن است که وی از شخصیت های بسیاری اثرپذیرفته و بر شخصیت های زیادی اثر گذاشته است. او اخلاق و عرفان را از شیخ درویش، فلسفه و منطق را از حسن الطویل، سیاست و اندیشه وحدت امت اسلام را از سیدجمال الدین افغانی و در مجموع رفتار سیاسی - اجتماعی را از متفکران غرب از جمله

«هربرت اسپنسر» و «لئون تولوستوی» فراگرفت. او از افکار «اسپنسر» برای نوسازی نظام آموزشی مصر بهره ها کسب نمود. او همان گونه که از منادیان و دارنده گان اندیشه تقریب بین المذاهب محسوب میشود؛ از پیشگامان اندیشه همبسته گی اخلاق، سیاست و شریعت نیز به شمار میرود.

واژه گان کلیدی: عبده، اندیشه سیاسی، اصلاح، وحدت امت اسلامی، سیاست، شریعت و نواندیشی.

مقدمه

شیخ محمد عبده از شخصیت هایی بود که مهمترین دغدغه اش اصلاح جامعه و احیای تفکر دینی بود. او برخلاف مرداش سیدجمال الدین افغانی که معتقد به اصلاح سیاست قبل از اصلاح جامعه بود، براین اندیشه بود که باید نخست سامان فکری، اخلاقی در جامعه به وجود آید تا از این طریق جامعه و سیاست اصلاح و به سامان گردد. همبسته گی سیاست و شریعت، سیاست و اخلاق، وحدت امت اسلامی که از مهمترین فرازهای برجسته اندیشه و رفتار سیاسی - اجتماعی عبده محسوب میگردد؛ از آن رو مجال طرح پیدا کرد تا عزت، شکوه و قدرت اسلامی احیا شود.

بدین سان، عبده همان گونه که از منادیان و دارنده گان اندیشه وحدت و تقریب بین المذاهب محسوب میشود، دارای اندیشه و عملکرد اصلاحی نیز میباشد. اصلاحات در اندیشه وی نه به گونه یی انقلابی که مسالمت آمیز و تدریجی بود.

کارهای علمی از قبیل تدریس، تحقیق، و کارهای اجرایی از قبیل پذیرش منصب افتاء، سردبیری نشریه «وقایع المصریه»، همکاری با سید در انتشار «مجلة العروة الوثقی» و در مجموع تلاش بی وقفه برای اصلاح ساختار دانشگاه الازهر و متون درسی آن، یکسری اقدامات دینی، اخلاقی و سیاسی بود که با درک اوضاع و شرایط زمانه آن هم به صورت

تدریجی و نه دفعی برای تربیت و اصلاح سیاسی - اجتماعی جامعه مصر انجام گرفت. عبده نه تنها دغدغه اصلاح جامعه اسلامی را در سر میپروراند؛ بلکه به وحدت ادیان توحیدی اندیشه میکرد. بدین ترتیب، برغم تعلق عبده به جامعه مصر دارای اندیشه جهانی است. اندیشه های سیاسی - اجتماعی وی به صورت برجسته جنبه فرا کشوری و مذهبی پیدا کرده است.

زنده گی و آثار علمی شیخ محمدعبد

الف) زنده گی شیخ محمدعبد

شیخ محمد عبده، فقیه نامدار، سیاست مدار برجسته، اصلاح گر دینی و از پیشگامان اتحاد اسلامی و نو اندیشی دینی در دنیای اسلام محسوب میشود. وی در سال ۱۲۶۶ ق در یکی از دهکده های مصر به نام «محلۀ نصر» از توابع استان «بحیره» واقع در شمال کشور مصر، از پدر ترکمن و مادر عرب تبار تولد یافت.

عبده با میلادش قلب پدر و مادرش را غرق شادی نمود. (حسینی طباطبایی؛ ۱۳۶۴: ۹).

پدر و مادر، نام کودکش را محمد گذاشتند. به این امید که از راه و رسم پیامبر گرامی اسلام الگو بردارد و در راه شناخت و عمل به سنت نبوی قدم گذارد. (احدی؛ ۱۳۸۶: ۱۸) و چون پدرش را عبده خطاب میکردند، بالتبع او نیز به عبده شهرت پیدا کرد. عبده تحصیلات را از همان آوان کودکی آغاز کرد، قرآن را پس از ۱۰ ساله گی یاد گرفت و حافظ کل قرآن شد.

عبده در سن ۱۳ ساله گی به سفارش پدر برای تعلیم و کسب معارف اسلامی وارد مرکز «جامع احمدی» که پس از جامع الازهر معتبرترین مرکز تعلیم معارف اسلامی در مصر به شمار میرفت، گردید. او آموزه های آنجا را که به صورت سنگین و باروشهای تصلب آمیز ارائه میشد، خوش نداشت، چیزی هم از آنجا یاد نگرفت؛ به همین خاطر آنجا را رها کرد و به زادگاه خود برگشت و به کشاورزی پرداخت؛ اما پس از مدتی به سفارش شیخ درویش خضر (مامای پدرش)، دو باره به جامع احمدی بازگشت و بعد به الازهر رفت. عبده تنها پانزده روز

نزد شیخ درویش ماند. وی در همین مدت کوتاه از آموزه هایش دو بهره بزرگ برد: اول، آنکه چون درسهای شیخ نه فقه و نحو بلکه به اخلاق مربوط میشد، شیرین و نشاط بخش بود و عبه گفته های او را به آسانی در می یافت و همین امر او را از عقهه یی که شیوه مصلحان قبل پدید آورده بود نجات داد. دوم، آنکه عبه تا آن زمان مانند بیشتر مسلمانان گمان میکرد که مسلمانی تنها با ادای شهادتین حاصل میشود و نفس مسلمان بودن ثوابی بزرگ است؛ ولی شیخ درویش خلاف این عقاید را به عبه آموخت. (ریس کرمی؛ ۱۳۸۲: ۵۰-۵۱).

بزرگترین ارزش زنده گی انسان در درستکاری است و نباید دین اسلام را سرپوش تبهکاری خود کرد؛ زیرا اسلام دین عقیده و عمل است نه مجموعه یی از الفاظ میان تهی و بی بنیاد. علاوه بر شیخ درویش او از محضر بزرگانی همچون: شیخ حسن الطویل و سید جمال الدین افغانی بهره های فراوان علمی برد. وی همان گونه که اخلاق و عرفان را از شیخ درویش و ریاضیات و فلسفه را از حسن الطویل آموخت علوم عقلی و سیاست ورزی را از سید جمال الدین افغانی فراگرفت و از تلفیق این گرایشات برای بهبود وضعیت و اصلاح امور جامعه اسلامی مصر استفاده بهینه و به سامان کرد. عبه بعد از فراگیری این علوم به تربیت شاگردان زیادی همت گماشت که از جمله آنها می توان به محمد رشید رضا، سعد زغلول، طه حسین، عبدالقادر مغربی، مصطفی عبدالرزاق و شیخ محمود شلتوت اشاره کرد. (جمعی از نویسندگان؛ ۱۳۷۷: ۶۴-۶۹)

عبه علاوه بر تدریس و تربیت شاگردان مبرز وارد فعالیتهای سیاسی - اجتماعی هم شد. وی مدتی در حزب وطنی مصر فعالیت کرد. همچنان بنا به پیشنهاد ریاض پاشا (وزیر خدیو پاشا) به سردبیری روزنامه «وقایع مصریه» منصوب گردید. عبه در تدوین و انتشار جریده وزین «عروة الوثقی» با سید جمال الدین افغانی نیز همکاری میکرد. عبه همگام با تغییرات و دگردیسیهای سیاسی - اجتماعی که در جامعه مصر پدید آمد، حضور فعال و پررنگ

خود را حفظ کرد و زنده گی خود را وقف اصلاح امور دینی و سیاسی نمود تا این که در سال ۱۸۹۹م از سوی خدیو مصر، به مقام مفتی منصوب شد و تا پایان عمر بر این مسند باقی ماند و در اثر بیماری معده و کبد این روح بی قرار برای همیشه آرام گرفت. عبده در ساعت پنج بعد از ظهر روز هشتم جمادی الاولی سال ۱۳۲۳ ق در سن پنجاه و شش ساله گی فوت نمود. (امین؛ ۱۳۷۶: ۲۹۴-۲۹۳). یادش گرامی و اندیشه هایش تابنده و پر فروغ باد.

آثار علمی عبده

مهمترین آثاری که اندیشه های وی در آنها تبلور پیدا کرده است عبارتند از:

۱- تفسیر المنار

تفسیر المنار نتیجه برگزاری جلسات تفسیر قرآن از سوی محمد عبده است. تقریرات این دروس توسط شاگردش رشیدرضا به رشته تحریر در آمده است. این مجموعه پس از ویرایش و اصلاح توسط عبده در مجله المنار چاپ میشد و به همین دلیل نیز به تفسیر المنار معروف گردید. عبده در این تفسیر بر جنبه های اخلاقی، عرفانی و هدایتی قرآن تمرکز ویژه کرده است. این تفسیر تا آیه ۱۲۲ سوره نساء را در بر میگیرد و به دلیل فوت عبده نا تمام ماند. روش تفسیر عبده بیشتر محتوایی و با استفاده از روش عقل در تفسیر آیات است. عبده همواره با تفسیر ظاهریه و مشبهه که نصوص قرآن و حدیث را به معنای ظاهری آن حمل میکردند و توجهی به عقل نداشتند، مخالف بود. (خرمشاهی؛ ۱۳۷۶: ۲۳۶).

۲- رساله التوحید

این کتاب بیشتر شامل افکار کلامی، پیرامون شناخت خداوند و معرفت و افکار اجتماعی اوست. او در این کتاب که آن را در بیروت نگاشته است، با ارائه گزارشی از مراحل گوناگون تحول فکر اسلامی، ریشه های جمود فکری مسلمانان و راههای علاج نظری آن را بیان میکند. (رستمی نجف آبادی؛ ۱۳۹۱: ۱۷۷-۱۸۷).

۳- کلمات الامام و مقتبس السیاسه

که هر دو شامل مجموعه‌ی از سخنان حضرت علی (کرم الله وجهه) است که نشانگر علاقه وافر او به کتاب شریف نهج البلاغه است که در زمینه‌های مختلف خصوصاً سیاست جمع آوری شده است. وی در این مجموعه به شرح عهدنامه‌های حضرت علی (کرم الله وجهه) به مالک اشتر می‌پردازد. (حسینی طباطبایی؛ همان: ۷۴).

۴- شرح نهج البلاغه

او معتقد بود: سخن حضرت علی بن ابی طالب پس از قرآن و احادیث رسول خدا (ص) شریف‌ترین و بلیغ‌ترین و جامع‌ترین سخنان است. (مطهری؛ ۱۳۶۸: ۱۸) عبده گوید: «من به هنگام مطالعه این کتاب، گاه خود را در جهانی می‌یافتم که ارواح بلند معانی، با زبور عبارتهای پر فروغ آن را آباد ساخته است و عقل نورانی از عالم الوهیت جدا گشته است و به روح انسانی اتصال یافته، او را از لا به لای پرده‌های طبیعت بیرون آورده و تا سراپرده ملکوت اعلا بالا برده است و تا شهودگاه فروغ فروزنده آفرینش رسانده است.» (عبده؛ ۱۳۷۵: ۱۰).

۵- الواردات

این اثر یک کتاب عرفانی است و به اثبات واجب الوجود و صفات و کمالات حضرت حق پرداخته است.

۶- حاشیه‌ی بر شرح دوانی بر «العقاید العضدیه» دروس من القرآن

شیخ در سال ۱۲۹۵ ق موفق شد تا حاشیه‌ی بر شرح جلال الدین دوانی در باره «العقاید العضدیه» بنویسد که با الهام از درسهای سید جمال الدین افغانی، بر آن حاشیه زند. این کتاب که اولین اثر عبده در زمینه علم کلام است در مصر و با مقدمه دکتر سلیمان دنیا تحت عنوان «الشیخ محمد عبده بین الفلاسفه و الکلامین» به چاپ رسیده است. (رستمی؛ همان) از رساله‌های دیگر وی است: رساله الرد علی الدهرین، اصلاح المحاکم الشرعیة، الا سلام والنصرانیة

بین العلم والمدنیة.

اوضاع زمانه عبده

در این قسمت خوب است که به اوضاع و شرایط زمانه عبده پرداخته شود و سپس به بیان فرازهای برجسته اندیشه های سیاسی - اجتماعی وی اقدام گردد. نویسنده باورمند است فهم اندیشه های عبده در پرتو بازخوانی این اوضاع و احوال بهتر قابل فهم و درک است.

الف) وضعیت مراکز علمی

مراکز علمی آن روزگار از جمله الازهر، جامع احمدی هرچند که بزرگترین علما را در خود جای داده بود و به دانش پژوهان خدمات علمی و معرفتی ارائه میکرد؛ اما بحثها به گونه ای بود که هرگز از دایره تنگ الفاظ آن هم با تمرکز بر متون گذشته بیرون نمیرفت و تعلیم و تعلم بدون توجه به مقتضیات زمان و شرایط موجود صورت میگرفت. علما اکثر از واقعیتهای جهانی بی خبر و موضوعات درسی نیز از تاریخ، جغرافیه، کیمیا و مسایل عقلی و فلسفی تهی بود. هرکاری بیرون از عرف و عادت، کفر یا حرام یا مکروه شمرده میشد یا خواندن کتب جغرافیه، علوم طبیعی، فلسفه حرام و پوشیدن کفش و پوتین، بدعت محسوب میشد. (موثقی؛ ۱۳۷۱: ۳۶).

در وضعیت بی سامان و آشفته آن روز که هرگونه نوآوری و اصلاح فکر دینی، بدعت و زندقه تعبیر میشد، عبده بیشتر در لاک خود فرو میرفت تا به کفر و بی دینی متهم نگردد. به نظر وی انزوا از امور اجتماعی بهترین ابزار جهت دوری گزیدن از فضای تهمت، شک و دو دلی آن روز بود؛ اما باز هم در وضعیت شک و دودلی این شیخ درویش و آگاه سیاسی - فلسفی حسن الطویل سیدجمال الدین افغانی، هربرت اسپنسر و لئون تولوستوی بود که عبده را از ورطه خطرناک تردید بیرون میبرد و به ساحل یقین رهنمون میسازد. آنچه در این شرایط بیشتر به عبده حیات و انرژی میبخشید آموزه های سیدجمال افغانی بود. او خود میگوید:

پدرم به من حیاتی بخشید که علی و محروس (دو برادرش که کشاورز بودند) در آن باهم سهیم بودیم؛ ولی سیدجمال الدین افغانی به من حیاتی بخشید که من در آن با محمد و ابراهیم و موسی و عیسی و اولیا و قدسیان شریکم. (واثقی؛ ۱۳۳۵: ۶۲).

وضعیت سیاسی - اجتماعی مصر

موقعی که عبده سردبیری روزنامه «وقایع مصریه» را بر عهده داشت انقلاب اعرابی پاشا در مصر به وقوع پیوست. این انقلاب در سیر زنده گی عبده نقش به سزایی ایفا کرد. انقلاب عرابی پاشا حاصل تلاقی سه جریان عمده و نیرومند سیاسی ف نظامی و مردمی مصر بود: الف) مشروطه خواهان: این جریان خواهان برقراری نظام پارلمانی و تشکیل مجلس ملی بودند که با «خدیو توفیق» به مبارزه برخاستند.

ب) مردم ناراضی از سیاستهای خدیو توفیق: مردم مصر از دخالتهای انگلیس و فرانسه بر امور داخلی خود به شدت عصبانی و ناراحت بودند و خدیو توفیق را دست نشانده قدرتهای بزرگ زمانه میدانستند.

ج) افسران: افسران مصری به دلیل آنکه در قیاس با افسران غیر مصری مورد تبعیض قرار میگرفتند و از مزایای کمتری برخوردار بودند؛ بیش از دو قشر دیگر، ناراضی به نظر میرسیدند. هدایت و رهبری این سه جریان ناراضی به دست عرابی پاشا رقم میخورد. او یکی از افسرانی بود که از مقبولیت و پایگاه نیرومند اجتماعی برخوردار بود و یک چهره کاریزماتیک محسوب میگشت.

در روز نهم سپتامبر ۱۸۸۱م تظاهرات وسیعی با حضور گسترده جریانهای فعال مصر در میدان عابدین بر پا گردید. خواسته های این جریانات عبارت بودند از: تشکیل مجلس ملی، استعفای ریاض پاشا. تا این که در برابر موج اعتراضات مدنی جریانهای فعال مصر ریاض پاشا مجبور به استعفا گردید و خدیو توفیق خود را در کاخ در محاصره مردم احساس کرد. در

نتیجه در برابر خواسته های برحق مردم تسلیم شد و مجلس ملی دایر گردید؛ چون انگلستان و فرانسه، انقلاب عرابی پاشاه را بر خلاف منافع و مصالح خود تشخیص دادند در امور داخلی مصر دخالت کردند و به حمایت خدیو توفیق دست زدند. ناوگان انگلیس روز یازدهم ژوئیه ۱۸۸۲ اسکندریه را بمباران کردند تا این که نیروهای انگلیس در تل الکبیر شکست سنگینی بر نیروهای عرابی وارد کرد. در نتیجه به دستور مستقیم انگلیس خدو توفیق عرابی پاشا را به سیلان تبعید نمود. آنچه اهمیت دارد واکنش محمد عبده نسبت به انقلاب عرابی بود. عبده مانند هر مصری وطن پرست دیگر به حمایت از عرابی برخاست؛ زیرا، اعرابی برخلاف خدیو، نه راه تسلیم؛ بلکه راه مقاومت در برابر انگلیس را در پیش گرفته بود. (حسینی طباطبایی؛ ۱۳۶۴: ۹۶).

عبده پس از شکست انقلاب عرابی به جرم مشارکت و فعالیت در آن دستگیر و به سه سال تبعید محکوم گشت؛ از این رو، به پاریس رفت و در پاریس با سید جمال در انتشار عروة الوثقی همکاری کرد. این دوره یکی از پر بارترین روزگار زنده گی عبده محسوب میشود. وی در سال ۱۳۰۶ با تعهد براین که دیگر در امور سیاسی دخالت نمیکند به مصر عزیمت کرد. مدتی به تدریس و قضاوت پرداخت تا این که پس از مرگ خدیو نظر پسرش خدیو عباس را نسبت به اصلاح ساختار الازهر و محتوای دروس آن جلب کرد.

اندیشه های سیاسی - اجتماعی عبده

اصلاحات اجتماعی

الف) اصلاح ساختار و محتوای درسی الازهر

محمد عبده با درک نا بسامانیهای جامعه مصر و دیگر جوامع اسلامی تلاش میکرد به وضعیت آشفته مسلمانان در کشورش و دیگر کشورها سر و سامان دهد؛ لکن از آنجا که پیش فرض اصلاحات اجتماعی در اندیشه عبده اصلاح در ساختار مراکز علمی و محتوای درسی

بود؛ از این رو، تلاش کرد همچون امام محمد غزالی در قدم اول به احیا و اصلاح علوم بکوشد و آنگاه به اصلاح اجتماعی دست زند. شهید مطهری در این زمینه چنین مینویسد:

عبدۀ لاقل در اواخر عمر و بعد از جدا شدن از سید در پاریس و بازگشت به مصر معتقد بود که آموزش و تربیت دینی جامعه تقدم دارد بر آموزش و پرورش سیاسی آنها و بر حرکت سیاسی. (مطهری؛ ۱۳۶۸: ۳۸-۳۷).

عبدۀ معتقد بود: هر چه به وجود میآید با علم به وجود میآید؛ به همین جهت بود که عبدۀ در دوره اقامت در پاریس به سیدجمال پیشنهاد داد که سیاست را رها کند و باهم به محلی بروند که تحت مراقبت دولتها نباشند و با تربیت شاگردان، آنان را برای برنامه اصلاحی خود آماده سازند؛ ولی سید نپذیرفت. (جلیلی؛ ۱۸۰).

او معتقد بود: ضروری است راهی را در علوم پیگیری کنیم که فراگیری آن به سهولت مسیر باشد و دانش پژوه بتواند به راحتی دریابد.

تطبیق آموزه ها بر نوپیداها

در اندیشه عبدۀ علوم رایج در الازهر و دیگر مجامع علمی بر نوپیداها و حوادث واقعه تطبیق ندارد. علوم بایستی پاسخگوی نیازها و رخدادهای تازه باشد؛ از این رو، طرح درسنامه جدید را ارائه داد که در آن دروسی چون: تاریخ، فقه مقارن، فلسفه حقوق و... بود. یکی از نویسنده گان چنین مینویسد:

عبدۀ مسایلی را طرح کرد که سیدجمال طرح نکرده است؛ از قبیل فقه مقارن از مذاهب چهارگانه، دخالت دادن مبانی فلسفه حقوقی در اجتهاد، ایجاد نظام حقوقی جدید در فقه که پاسخگوی مسایل روز باشد. (مطهری؛ همان: ۳۶).

آزاد اندیشی

عبدۀ بر خلاف کسانی که نظر مخالف را بر نمیتابیدند و دیگر اندیشان را به کفر و

زندگانه نسبت میدادند، از نو اندیشی و آزاد اندیشی به دفاع برخاست. او مروج آزاد اندیشی در عرصه نظریه پردازی و علوم بود. او خود میگفت:

من نظریات خود را عرضه میکنم و شنونده گان را به پذیرش آن مجبور نمیسازم و الا با آنچه میخوانم (آزاد اندیشی و استقلال فکری) تعارض خواهد داشت؛ علاوه بر آن گمان نمیکم شنونده گان با اجبار التزامی به این عقیده پیدا کنند.

اعتدال و دوری از افراط و تفریط

او برخلاف قشری گراها که در اثر جمود فکری، اسلام را مانع پیشرفت و تکامل جامعه تلقی میکردند و نیز برخلاف کسانی که به نام انطباق اسلام بر رخداد های تازه مقررات اسلامی را بر سلیقه های شخصی خود تطبیق میدادند راه اعتدال را در اصلاح علم و نظریه پردازی پیمود و از افراط و تفریط بیزاری جست. هر چند عبده در دانشگاه الازهر و تغییر برنامه های درسی فصل نوینی را در حوزه علم و تعلیم رقم زد؛ لکن اصلاحات مورد نظری در این امر خلاصه و منحصر نگردید. او اصلاحات اساسی را در اوقاف و امور خیریه به وجود آورد و افزون بر اینها مهمترین حوزه اصلاحات وی اصلاح دادگاه های شرعی بود. او بعد از آنکه صاحب منصب فتوا شد بسیاری از عقاید نا درست را از عرصه فتوا زدود.

اصلاحات دینی

عبده در اصلاحات دینی نیز راه میانه تحجر و غرب زده گی را پیمود. او مقابله با این دو گرایش را در گرو بازگشت به اسلام اصیل میدانست. او بر خلاف علمای الازهر که باب اجتهاد را مسدود و به امام احمد حنبل منحصر میکردند. او معتقد بود علما در مواجهه با دنیای جدید دو چیز را مدنظر قرار دهند: ۱. مصلحت یا استصلاح؛ ۲. سازگار کردن مذاهب مختلف در حل مسایل اجتماعی. وی نه تنها در برابر مذاهب اسلامی غیر از مذاهب اهل تسنن یا مذهب شیعه بلکه نسبت به ادیان یهود و مسیحیت هم با تساهل رفتار میکرد. (حقیقت؛ ۱۳۷۹، شماره ۲۲، ۱۶۷).

همبسته گی اسلام و سیاست

در اندیشه عده اسلام و سیاست به هم وابسته و پیوسته است و هرگز از هم جدا شدنی نیست. همان گونه که ملیت از اسلامیت تفکیک ناپذیر است. او حکومتی را میپسندید که در آن کارها بر اساس مشورت مردم پیش رود و معتقد بود که حاکم اسلامی باید به پیروی از شریعت اسلامی و مشورت با اهل حلّ و عقد به دادگری حکومت کند. (همان؛ ج ۳، ۳۳۲).

همبسته گی اخلاق و سیاست

در اندیشه و عملکرد محمد عده میان اخلاق و سیاست نسبتی وثیق برقرار است. عده معتقد بود که باید در آغاز هر نوع اصلاحات، اصلاح فکری، اخلاقی و تربیتی در جامعه به وجود آید. به نظر وی تربیت اخلاقی بر سیاست و حکومت مقدم است. عده تعلیم و تربیت را شرط لازم هر نوع تحول و پیشرفت میدانست. او میگفت: تربیت همه چیزاست و همه چیز بر اساس آن پایه ریزی میشود و هر گمشده یی با نبودن علم گم میشود و هر چه به وجود میآید با علم به وجود میآید. (همانجا؛ ۱۵۱)

همبسته گی اخلاق، تربیت و سیاست در اندیشه و ذهن عده باقی نماند؛ بلکه در عالم عمل نیز او تلاش کرد سیاست را با اخلاق همبسته و همدوش سازد. جلسات تفسیر قرآن از سوی وی و تأکید بر اخلاقیات قرآنی بهترین دلیل بر اثبات این ادعاست. او برای تربیت اخلاقی و اصلاح فکر مردم مناسب ترین راه را همان جلسات تفسیر قرآن میدانست. در مجالس او بیش از هزار نفر از طبقات مختلف شرکت میکردند و از این راه تحول فکری وسیعی در مصر به وجود آمد. (حسینی طباطبایی؛ ۹۲، ۱۳۶۴)

احمد امین مصری در باره شیوه محمد عده در تفسیر نوشته است که: «ابتدا آیه یی را می خواند؛ سپس با توجه به سایر آیات مشابه و هم موضوع با آن، شرح و بسط می داد، و اگر

آیه از آیات عقاید (کلامی) بود، معتقدات واهی و فاسدی را که در اطراف آن پدید آمده بود، بر ملا می کرد و اگر آیه مربوط به اخلاق بود، اثر آن اخلاق را در اصلاح حال امم، و زیانباری مفسده‌هایی را که از ترک آن یا در جنب آن پدید آمده بود، بیان می کرد. و اگر مربوط به احوال اجتماعی بود، به تحلیل اجتماعی آن می پرداخت و همواره با واقعیات استناد و اشاره می کرد، و با بیانی رسا و صدایی گیرا، به مسائل جهانی گریز می زد و شدیداً اخلاقی بود و خواستار و منادی عمل بر وفق موازین و مبادی اولیه اسلام، و بر آن بود که این مبادی منبع سعادت در هر عصر و زمانی بوده‌اند. و اهل معنی و معنویات بود... و نیز در کشف راه‌هایی که به توفیق بین دین و علم بینجامد کوشا بود... و همه آراء و اهداف اصلاحی اش را بر محور تفسیر قرآن طرح می کرد... در محضر او جماعت کثیری از بزرگان قوم و کبار قضات و کارمندان و دانشجویان جوان الازهر و سایر مدارس عالی حضور می یافتند و درس و بیان عبده اثر عظیمی در آنان داشت». (امین؛ ۱۹۶۵: ۸۵ - ۸۶)

همبسته گی و وحدت امت اسلامی

در اندیشه شیخ محمدعبده عزت و سربلندی جامعه اسلامی در گرو بازگشت به اسلام اصیل و دوری گزیدن از تعصبات فرقه یی بود. او عقیده داشت نه تنها مذاهب اسلامی که حتی ادیان الهی باید باهم وحدت و همکاری نزدیک داشته باشد؛ از این رو، در بیروت مرکزی به نام جمعیه التقریب بین الادیان والمذاهب تأسیس کرد که نه تنها جمعی کثیر از علما و ادبا در آن حضور می یافتند؛ بلکه مسیحیان نیز در آن شرکت فعال داشتند. وی در این جمعیت در زمینه وحدت ادیان به بحث و سخن میپرداخت.

عبده در راه تقریب مذاهب و ادیان آسمانی در جراید و به خصوص در عروة الوثقی مقالات زیادی منتشر کرد. مقالاتی با عناوین مسیحیت و اسلام و پیروان آن دو؛ وحدت اسلامی

و دعوت مردم ایران برای اتحاد با افغانها را چاب نمود. (همان: ۶۲)

محمدعبدۀ برای اصلاح مسایل سیاسی - اجتماعی مسلمانان و نیز احیای عزت، شوکت و قدرت اسلامی طرح بازگشت به قرآن را مطرح میکند. او در این باره چنین اظهار میکند: ما معتقدیم که ضعف و عقب ماندگی مسلمانان و نیز از دست رفتن سلطه آنان، ناشی از روی گردانی آنان از هدایت قرآن است. عزت، قدرت و کرامت آنان فقط با رجوع به هدایت قرآن و تمسک به ریسمان آن، قابل دستیابی است. مفاهیم آیات قرآنی نیز بر این قضیه دلالت دارد و این، فقط در صورتی محقق میگردد که بر احیای زبان قرآن، اتفاق و تأکید گردد. (عبدۀ؛ ۱۴۱۴: ج ۱، ۷).

نتیجه

از مجموع آنچه در این نوشتار گفته آمد نتایج زیر به دست میآید:

۱. محمدعبدۀ نگاهی به دور از تحجر و جمود نسبت به سیاست دارد و آنچه عبدۀ بدان بارومند است صرفاً یک نظریه و اندیشهٔ سیاسی نیست؛ بلکه می تواند یک روش عملی در عرصهٔ سیاسی در نظر گرفته شود. دیدگاه وی می تواند در عصر حاضر نیز راهنمای خوبی برای سیاست مداران مصری و جهان اسلام باشد.
۲. عبدۀ با توجه به درک اوضاع زمانه اش تلاش کرد تا ارزشهای اصیل اسلامی را با رخدادهای نو پیدایا آشتی دهد. اسلام هماره به واپس گرایی و تحجر و قشری گری متهم بوده است؛ اما عبدۀ با تمرکز بر آموزه های قرآنی نشان داد که با افکار مدرن همخوانی دارد.
۳. در اندیشهٔ عبدۀ شریعت، سیاست و اخلاق همبسته و همسوست و هیچ گونه تضادی میان آنها مشاهده نمیگردد. تربیت اخلاق و اصلاح فکری پیش فرض ورود به عرصهٔ سیاسی - اجتماعی است.

۴. عبده دارای اندیشه تقریبی و وحدت است. قرآن در اندیشه عبده محور اساسی وحدت محسوب میگردد. اگر مسلمانان میخواهد به گذشته با عزت، اقتدار و شکوه خود برگردد بازگشت به قرآن حتمی است.

۵. عبده همچون ابو حامد غزالی معتقد است اصلاح نظام آموزشی نقطه آغاز هرگونه اصلاح اجتماعی - سیاسی است و اگر نه به نتیجه مطلوب منتهی نخواهد شد.

منابع

- ۱- احدی، مهدی؛ شیخ محمد عبده. (بی تا). **رایت اصلاح**. بی جا. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- ۲- امین، احمد. (۱۳۷۶). **پیشگامان مسلمان تجدیدگرایی در عصر جدید**. ترجمه حسن یوسفی اشکوری. تهران. علمی و فرهنگی.
۳. امین، احمد. (۱۹۶۵). **زعماء الاصلاح فی عصر الحديث**. القاهرة. مكتبة النهضة المصرية.
۴. حسینی طباطبایی، مصطفی. (۱۳۶۴). **شیخ محمد عبده مصلح بزرگ**. تهران. انتشارات قلم.
۵. حقیقت، سیدصادق. (۱۳۷۹). «**اندیشه های کلامی - سیاسی عبده**». فصلنامه مفید، شماره ۲۲.
۶. جلیلی، مهدی. (ب تا). «**جایگاه تعلیم و تربیت در اندیشه و عملکرد شیخ محمد عبده**». مصباح، سال دوازدهم، شماره ۴۹.
۷. جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۷). **دایرة المعارف بزرگ اسلامی**. تهران. ج ۸. نشر مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۸. خرماهی، بهاءالدین. (۱۳۷۶). **قرآن پژوهی**. تهران. چاپ سوم. نشر شاهد.
۹. رستمی نجف آبادی، حامد. (۱۳۹۱). «**حبل المتین**». دوره اول، شماره سوم.

۱۰. ریس کرمی، سیدعلی. (۱۳۸۲). **شیخ محمد عبده و همبستگی جهان اسلام**. زاهدان. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان.
۱۱. عبده، محمد. (۱۳۷۵). **مقدمه شرح نهج البلاغه**. قم. نشرالمکتب الاعلام الاسلامی.
۱۲. عبده، محمد، رشید، رضا. (۱۴۱۴). **تفسیر المنار**. قاهره. ج ۱.
۱۳. عمّاره، محمد. (۱۹۸۰م). **الاعمال الكاملة للإمام الشیخ محمد عبده**. بیروت. ج ۱. المؤسسة العربية.
۱۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). **نهضت های اسلامی در صدساله اخیر**. تهران. انتشارات صدرا.
۱۵. موثقی، سیداحمد. (۱۳۷۱). **استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام**. قم. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۶. واثقی، صدر. (۱۳۳۵). **سیدجمال الدین حسینی پایه گذار نهضت های اسلامی**. تهران. انتشارات پیام.

